



## نقد ادبی و نقش آن در مطالعات فرهنگی

### ناهیده کلاشی<sup>۱</sup>

عضو هیأت علمی دانشگاه الزهراء (س)، ایران

نقد ادبی، رویکردی میان‌رشته‌ای است که هدف آن، تفسیر و ارزیابی متون است و زمینه‌های خوانش جدیدی از متون آثار ادبی را فراهم می‌کند. در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه محققان و نویسندگان قرار گرفته است. مطالعات فرهنگی هم رویکردی جدید در نقد ادبی به‌شمار می‌آید، که مجموعه آثار گوناگونی با جهت‌گیری‌های متفاوت و معطوف به تحلیل انتقادی اشکال و فرایندهای فرهنگی در چارچوب علوم انسانی و علوم اجتماعی را دربر می‌گیرد. میخائیل باختین فیلسوف و متفکر روسی می‌گوید: «متن تنها در ارتباط با متن دیگر زنده است و تنها در نقطه تماس این متن‌هاست که نوری شروع به درخشیدن می‌کند که هم روبرو و هم پشت سر را روشن می‌کند و متن را به گفتمان پیوند می‌دهد. «از همین‌رو در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی برآن هستیم، با مطالعه نقد ادبی در ادبیات و تکیه بر فرهنگ به نقش و جایگاه آن در مطالعات فرهنگی پرداخته شود.

**واژه‌های کلیدی:** ادبیات، نقد، نقد ادبی، فرهنگ، مطالعات فرهنگی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> n.kalashi@alzahra.ac.ir

### مقدمه

ادبیات اساسی‌ترین و اصلی‌ترین رکن هنر به شمار می‌رود که سایر رشته‌های هنری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ادبیات با تاریخ پیوند ناگسستنی دارد و از تمدن جدایی‌پذیر نیست، تأثیر تمدن و فرهنگ در آثار ادبی هر قومی به وضوح مشاهده می‌شود. انعکاس حالات، رفتار، آداب و رسوم و سنن ملی هر قوم، طایفه، ملتی در ادبیات آنها، مؤید این گفتار ماست. (علی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۳) به عبارت دیگر می‌توان گفت ادبیات، اصلی‌ترین سرچشمه معانی فرهنگی هر ملت است و به عنوان یک گفتمان فراگیر، نشانه‌هایی از کدهای فرهنگی جوامع انسانی را در خود دارد.

### بحث و بررسی

#### مفهوم نقد و نقد ادبی

نقد در لغت: جدا کردن دینار و درهم، سره از ناسره - تمیز دادن خوب از بد - آشکار کردن، جدا کردن و بازشناختن محاسن و معایب سخن نقاد، آنکه درم و دینار، سره را از ناسره جدا کند آنکه خوب و بد را از یکدیگر تمیز دهد. طبعی نقاد و ذهنی وقاد و نظمی سریع و فاطری مطیع داشت. (معین: ۴، ۶-۴۷۸۵).

در زبان انگلیسی واژه *criticism* معادل «انتقاد» و به همین معنا آمده‌است. برای مثال لغت‌نامه یک جلدی آکسفورد در زیر مدخل *criticism* انتقاد را به معنای عیب‌جویی *looking for faults* و آشکار ساختن عیوب *pointing out faults* معرفی کرده‌است. (لغت‌نامه کوچک آکسفورد، ش ۱، ص ۴۵۸).

در زبان روسی در فرهنگ لغت و اسکانیان، در زیر مدخل واژه *критика* انتقاد را به معنای قضاوت منفی *отрицательное суждение* آورده شده‌است. (واسکانیان: ۳۴۹، ۱۳۹۱) اما در فرهنگ اوژگوف سه تا معنا در نظر گرفته شده ۱. انتقاد، بحث و تحلیل چیزی برای ارزیابی و شناسایی نقص ۲. ارزیابی آثار ادبی، موسیقایی، تئاتر و سایر آثار هنری ۳. قضاوت منفی در مورد چیزی به منظور بیان کاستی آن.

در کتاب فرهنگ اصطلاحات ادبی به کوشش اچ. ایبرمز<sup>۱</sup>، نقد بدین است گونه تعریف شده است: نقد، اصطلاحی است کلی برای مطالعاتی که موضوع آنها تعریف، طبقه‌بندی، تحلیل، تفسیر و ارزیابی می‌شود. (ایبرمز: ۶۶، ۱۳۸۴) با عنایت به آنچه بیان شد نقد به معنای خرده‌گیری محض نیست؛ بلکه معیار و ابزار سنجش است تا از آن رهگذر سره را از ناسره تشخیص دهد.

نقد ادبی یکی از راه‌های کاوش در فرهنگ است که تمام جلوه‌های فرهنگی اعم از ادبیات عامه و ادبیات رسمی را درخور مطالعه و بررسی می‌داند. منتقد ادبی باید ادبیات شفاهی را به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ و رفتارهای فرهنگی موضوع مطالعه و بررسی خود قرار دهند. به تعبیری می‌توان گفت ادبیات با فرهنگ ادغام شده است. بنابراین نقد ادبی هم با هدف گسترده‌تری با نقد فرهنگی انجام می‌شود. برخی

<sup>1</sup> H.Abrams.

از منتقدان معتقدند که وظیفه نقد ادبی یافتن آن معنای پنهانی است که نویسنده با نیتی آگاهانه به صورت پنهان در متن به کار برده است.

### فرهنگ و مطالعات فرهنگی

مفهوم فرهنگ دیرزمانی است که در نظریه‌ها و رویکردهای نقد ادبی و هنری جایگاه ویژه‌ای دارد و در این میان شاید نخستین گام‌ها را بتوان به نظریه‌های «مکتب فرانکفورت» نسبت داد؛ توضیح این‌که برای نخستین بار نظریه‌پردازان این مکتب بودند که بار فهم والا و نخبه از «فرهنگ» را، که در قرن نوزدهم بر گفتمان نقد مسلط بود، به دور افکندند و از سیطره فرهنگ به مفهوم عام آن و به ویژه فرهنگ عامه‌پسند سخن به میان آوردند.

پس از این دوره، فرهنگ دریچه وجودی خود را روی رویکردهای گوناگون گشود، مثلاً اندیشمندان روس به طرح نظریه نشانه‌شناسی فرهنگ پرداختند و از طریق نشانه‌شناختی به مقوله متن فرهنگی نزدیک شدند. «متن فرهنگی» همانند فرهنگ به عنوان گونه‌ای (یا شاید تنها گونه) «صورت‌بندی مفاهیم» برپایه نظام نشانه‌ای ویژه‌ای، تولید و بازتولید می‌شود و دوباره بر پایه نظام نشانه‌ای مشابه یا متفاوتی فهم، خوانش یا مصرف می‌شود. (نجومیان، ۱۳۸۹: ۷).

مطالعات فرهنگی<sup>۱</sup> رویکردی میان‌رشته‌ای است که از پیوند نقد ادبی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، تاریخ، فلسفه و ... ترکیب شده و هدفش مطالعه پدیده‌های فرهنگی در جوامع گوناگون است. در این رویکرد، دایره‌ی شمول تحقیقات ادبی به کلیه جلوه‌های فرهنگ جامعه گسترش داده می‌شود و مصنوعات فرهنگی همچون متنهایی که باید آنها را خواند مورد بررسی قرار می‌گیرند. مطالعات فرهنگی در معنای عام آن به هرگونه مطالعه در حوزه جامعه‌شناسی اطلاق می‌شود، ولی آنچه که در اینجا مدنظر ماست معنای خاص آن است که به معنای روش‌شناسی در تحقیقاتی با رویکرد میان‌رشته‌ای فرهنگی است. حوزه مطالعات فرهنگی هم بسیار گسترده است و تمامی متون فرهنگی، آثار ادبی و ... را شامل می‌شود. منظور از فرهنگ طیف گسترده متون و رفتارهای روزمره است، لذا فرهنگ عامه را هم دربرمی‌گیرد. در واقع مطالعه فرهنگ عامه، بخشی از مطالعات فرهنگی است.

محققان این رشته در پی آن هستند که نشان دهند، چگونه پدیده‌های خاصی به مسائلی از قبیل نژاد، قوم، جنسیت، طبقه اجتماعی و ایدئولوژی ارتباط می‌یابند. از ویژگی‌های مطالعات فرهنگی آن است که نخبه‌گرا نیست و به فرهنگ عامیانه یا به عبارت دیگر به هنجارها و رفتارهای روزمره مردم جامعه‌ای خاص می‌پردازد و سعی می‌کند با تحلیل آن، به ساختارهای کلان فرهنگی در جامعه دست یابد. (<http://www.daneshju.ir>) به عبارت دیگر، پژوهشگران مطالعات فرهنگی و منتقدان ادبی ادبیات عامه یا شفاهی را به عنوان جلوه‌ای از فرهنگ و رفتارهای فرهنگی موضع بررسی خود قرار می‌دهند و قائل به مرزگذاری بین فرهنگ متعالی و فرهنگ عامیانه و محدود کردن حوزه پژوهش‌ها به فرهنگ متعالی نیستند.

<sup>۱</sup> Cultural studies.

## نقد ادبی در مطالعات فرهنگی

مطالعات فرهنگی از نقطه نظر بررسی تغییرات فرهنگی و نموده‌های زبانی مرتبط با ترجمه است. امروزه فرهنگ‌ها از طرق مختلف به یکدیگر «ترجمه» می‌شوند و از این راه، بستری جهت حرکت و تغییر در خود ایجاد می‌کنند. طبق نظر کنفورد<sup>۱</sup> ترجمه دیگر، «جایگزینی عناصر زبانشناختی در زبان مقصد» نیست، بلکه فرایندی است که طی آن، دو یا چند فرهنگ با یکدیگر گفتگو می‌کنند. (۲۰۰۷: ۲۸۰، Trivedi).

یکی از مفاهیم به‌کار گرفته در مطالعات فرهنگی درک کارکرد فرهنگ است. در واقع مطالعات فرهنگی از به‌کار بستن تکنیک‌های نقد ادبی در مورد سایر مصالح و مواد فرهنگی به وجود آمده‌است. در این مطالعات، مصنوعات فرهنگی همچون «متن‌هایی» که باید آنها را خواند بررسی می‌شوند، نه همچون اشیائی که باید آنها را شمارش کرد. در مقابل، وقتی ادبیات چون نوع فرهنگ خاصی مورد مطالعه قرار گیرد و آثار ادبی به گفتمان‌های دیگر مرتبط شوند، ممکن است منافعی برای مطالعات ادبی داشته باشد؛ به این ترتیب که دامنه پرسش‌هایی را که آثار ادبی می‌توانند به آنها پاسخ دهند، گسترش می‌دهد و توجه را به این مسئله متمرکز می‌کند که این آثار با چه راه‌هایی در برابر ایده‌های عصر خود مقاومت کرده یا آنها را پیچیده‌تر کرده‌اند. مطالعات فرهنگی در اصل با اصرار بر مطالعه ادبیات به منزله یک شیوه دلالت و با بررسی نقش‌های فرهنگی که به ادبیات اعطا شده‌است، می‌تواند مطالعه ادبیات به منزله پدیده‌ای پیچیده و بینامتنی را شدت بخشد (کالر، ۱۳۸۲: ۶۴-۶۵). رویکرد مطالعات فرهنگی مباحث اجتماعی، فرهنگی، تاریخی و ادبی را در هم می‌آمیزد و بر تخصص‌گرایی‌های قراردادی و جزئی‌نگری‌ها غلبه می‌کند تا به شناخت درستی از فرهنگ و هویت هر جامعه دست یابد. این رویکرد در گام‌های بزرگ‌تر فقط به توصیف فرهنگ نمی‌پردازد؛ بلکه مداخله در فرهنگ‌ها و بازسازی آنها نیز از اهداف آن است. مطالعات فرهنگی به بررسی رابطه میان زبان و قدرت، به‌ویژه راه‌های ایجاد هویت‌های اجتماعی نیز توجه دارد.

مطالعات فرهنگی را خواه مطالعه همه متون تعریف کنیم خواه فقط مطالعه متون عامه‌پسند، روشن است که موضوع این رشته با موضوعی که نقد ادبی سنتی اختیار کرده، متفاوت است. تا زمانی که مطالعات ادبی موضوعش را ادبیات متعالی می‌داند و مطالعات فرهنگی نیز موضوعش را فرهنگ واقعاً عامه‌پسند می‌پندارد، داورهای ارزشی نیز در نحوه تعریف موضوع مطالعه دخالت می‌کند. البته، درباره نقد ادبی به طور خاص باید گفت محور اصلی توجه، بررسی نوشته‌ها و آثار معتبر نیست؛ بلکه چگونگی اعتبار بخشیدن به این آثار و قدردانی از آنهاست. «ادبیت» ادبیات و «عامه‌پسند بودن» امر عامه‌پسند هیچ یک خصلت ذاتی نوع خاصی از متون نیستند؛ بلکه هر کدام تابعی از این امرند که تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان، منتقدان و مخاطبان فرهنگی چگونه انواع مختلف متون را به لحاظ اجتماعی پردازش می‌کنند. امر ادبی و امر عامه‌پسند صرف‌نظر از سایر خصوصیاتشان، بر ساخته‌هایی اجتماعی‌اند (میلنر و

<sup>۱</sup> Catford.

### نتیجه‌گیری

ادبیات به عنوان پل ارتباطی میان فرهنگ‌ها و ملل مختلف، راه را برای شناخت بهتر و عمیق‌تر ادبیات ملی و جهانی می‌گشاید، و بدین ترتیب، زمینه گسترش اندیشه‌های ملی و تعاملات فرهنگی را در سطح جهانی میسر می‌سازد.

با مطالعاتی که صورت گرفته‌است، می‌توان گفت نقد ادبی و مطالعات فرهنگی که از دیرباز علائق مشترک پژوهشی فراوانی با یکدیگر داشته‌اند، نه تنها در تقابل با یکدیگر نیستند؛ بلکه تکمیل‌کننده هم هستند. مطالعات فرهنگی در یک معنا کم و بیش از مطالعات ادبی سرچشمه می‌گیرد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت هدف مطالعات فرهنگی تحلیل زندگی جمعی مردم، ادبیات و فرهنگ عامیانه است. تعامل نقد ادبی و مطالعات فرهنگی در بهترین شکل آن وقتی صورت می‌گیرد که فرازبانی، بین فرهنگی باشد، نباید فقط به متن در معنای فرمالیستی آن اکتفا کند؛ بلکه باید به متن در معنای وسیع اجتماعی آن یا زمینه بپردازد. این امر بدون تعامل با مسائل فرهنگی امکان‌پذیر نیست.

### منابع

۱. ایبرمز، ام. اچ. (ش. ۱۳۸۴). فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی، ترجمه سعید سزبان، نشر رهنما.
۲. علی پور، منوچهر (۱۳۸۰). آشنایی با ادبیات کودکان، تهران: انتشارات تیرگان.
۳. فتوحی، محمود (۱۳۹۰). *نامه نقد (مجموعه مقالات نخستین همایش ملی نظریه و نقد ادبی در ایران)*، سهیلا، فرهنگی، تهران: نشر خانه کتاب، چاپ اول.
۴. کالر، جان اتان. (۱۳۸۲). *نظریه ادبی (معرفی بسیار مختصر)*، ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی، انتشارات امیر کبیر، چاپ بیست و ششم (۶ جلدی)
۶. میلنر، آندرو و جف براویت (۱۳۸۵). درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر، ترجمه جمال محمدی، تهران: انتشارات ققنوس.
۷. نجومیان، امیرعلی (۱۳۸۹). *نشانه‌شناسی فرهنگ (مجموعه مقالات نقدهای ادبی-هنری)*، تهران: انتشارات سخن.
۸. واسکانیان، گرانت آوانسوویچ (۱۳۹۱). *فرهنگ روسی به فارسی*، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
9. R. Trumble, William, (2007). *Shorter Oxford English Dictionary*, Sixth Edition, Hardcover.
10. Trivedi, Harish (2007). " **Translating Culture vs. Cultural Translation**", In Translation, Reflection, Transformations, eds. St-Pierre P, Prafulla C.Kar, Amsterdam, Benjamins.
11. <http://clci.um.ac.ir/uploading/clci.um.ac.ir/images/abstracts.pdf>.
12. <http://www.daneshju.ir/forum/archive/t-35876.html>.



## Literary criticism and its role in cultural studies

**Nahide Kalashi<sup>1</sup>**

Academic Staff of Alzahra University, Tehran, Iran.

Literary criticism is an interdisciplinary approach whose purpose to interpret and evaluate texts and provides newer reading fields of manuscripts; and in a recent years captured an attention of many authors and researchers. Cultural research is also a new approach to literary criticism, in which includes collections of various works with different orientations and focusing on critical analysis of forms and cultural processes within human sciences and social sciences. The Russian philosopher and scholar Mikhail Bakhtin once said: "article is alive only in correlation with other article and only with connections of these articles that the light starts to shine the facing and behind and links the article to discourse." As a result and based on current research using descriptive analytical method, we are about to study the literary criticism's role and condition in cultural studies by studying it in literature and leaning on culture.

**Keywords:** literature, critique, literary criticism, culture, cultural studies .

شوریه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> E-mail: n.kalashi@alzahra.ac.ir